

قرارداد اجتماعی جدید برای عصر هوش مصنوعی

برای همه به یک اندازه

کریس کرمیداس کورتنی

جو لیتوبارسکی

عصر هوش مصنوعی (AI) نه تنها نزدیک است، البته در حال حاضر گویی خیلی وقت است از راه رسیده است. بدون شك هم‌اکنون هم زندگی ما را متحول کرده و ارزشها، قوانین و هنجارهای اجتماعی ما را بیش از پیش به چالش خواهد کشید. واقعیت این است که ما به یک قرارداد اجتماعی جدید برای ورود به عصر هوش مصنوعی نیاز داریم. دقت کنید اکنون تازه به سرآغاز مسیری رسیدیم که خیلی پیش‌تر آغاز شده بود، به طور مثال تحقیقات روی شبکه‌های عصبی سایبرنتیک در قرن گذشته و در آغازین سال‌های دهه پنجم قرن بیستم (حدوداً سال 1940 میلادی) آغاز شد، اما ترکیب مجموعه‌های داده عظیم و پیشرفت علوم موازی و رشد قدرت پردازش کامپیوترها منجر به یک اتفاق هیجان‌انگیز و عمیق در یادگیری ذهن ماشین شد که سایر صنایع را به کل متحول کرد.

این روزها هوش مصنوعی در انواع محصولات مصرفی که ما برای کار و اوقات فراغت استفاده می‌کنیم حضور پررنگی دارد. به وضوح در مورد پیشرفت چشمگیر هوش مصنوعی تبلیغات وجود دارد و سرمایه‌داران دست به شانتاژ عمیق خبری در این حوزه می‌زنند، اما پیشرفت‌های بزرگ نیز قابل اغماض نیستند. برخی معتقدند توان اقتصاد مبتنی بر هوش مصنوعی به این معناست که ما در یک حباب حدس و گمان قرار داریم و انتهای راه مشخص نیست. حتی اگر این موضوع صحت داشته باشد، ما هنوز باید به‌طور عمومی در مورد تأثیرات اجتماعی میان‌مدت این فناوری‌ها بحث کنیم. به هر حال، آشوب حباب دات کام (بحران اقتصادی در خلال سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ میلادی) در دهه 1990 مانع از تغییر اساسی اینترنت در جامعه مدرن نشد. در واقع، پیش‌بینی می‌شود که سال 2024 سالی باشد که ما از صحبت بیشتر در مورد هوش مصنوعی به فراگیر شدن آن در زندگی خود تغییر می‌کنیم.

خطرات هوش مصنوعی: ترس از منسوخ شدن

مزایای اجتماعی و اقتصادی می‌تواند بسیار زیاد باشد، اما خطرات ممکن است به همان اندازه قابل توجه باشند. خطرات بالقوه تاثیر هوش مصنوعی بر انتخابات توسط کارشناسان برای سال‌ها پیش‌بینی شده است و نگرانی‌ها در مورد اختلالات اقتصادی و تغییرات شدید در بازار کار باعث ایجاد اضطراب اضافی در نظم اجتماعی می‌شود که در حال حاضر هم حتی نشانه‌هایی از استرس شدید را میان افراد شاغل و نیروهای کار نشان می‌دهد. در اروپا، تقریباً نیمی از افراد خانواده‌های در سن کار در کشورهای OECD (سازمان توسعه و همکاری اقتصادی بین‌المللی شامل 38 عضو) از نظر مالی شکننده هستند و شبح تاریک از دست دادن شغل به دلیل رشد پدیده هوش مصنوعی در حال حاضر به عنوان یک عامل نگران‌کننده برای کارگران در سراسر جهان ثبت شده است.

یک نظرسنجی گالوپ در سال 2023 در ایالات متحده نشان داد که 22 درصد از کارگران از منسوخ شدن شغل آنها توسط فناوری‌های جدید مانند هوش مصنوعی می‌ترسند که نسبت به سال 2021 شاخص این نگرانی 7 درصد افزایش یافته است. این پدیده و به عبارتی ترس جدید به اختصار F0B0 نامیده می‌شود، به این پدیده ترس از منسوخ شدن مشاغل می‌گویند. در اتحادیه اروپا، ترس از پدیده فوبو ممکن است حتی شدیدتر باشد، زیرا یک نظرسنجی یوروبارومتر در سال 2017 نشان داد که 72 درصد از کارگران اروپایی می‌ترسند فناوری‌های جدید «شغل مردم را بدزدند.»

مطالعات در خصوص رکود بزرگ و ظهور فاشیسم در دهه 1930 خطراتی را برای جامعه نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از جامعه معیشت خود را از دست می‌دهند. اضطراب گسترده زمینه مساعدی را برای پوپولیست‌ها و عوام‌فریبی اقتدارگرا برای به دست آوردن قدرت ایجاد می‌کند و این چالش بزرگی برای دموکراسی است که برابری در جامعه و حاکمیت قانون را به خطر می‌اندازد.

بیشتر مطالعات در زمینه هوش مصنوعی و بازارهای کار نشان می‌دهد که تاثیر کلی کمتری بر نرخ اشتغال دارد، اما تعداد قابل توجهی از کارگران ممکن است به آموزش‌های جدید نیاز داشته باشند تا همچنان قابل اشتغال به کار را داشته باشند.

ساعات کار طولانی‌تر

چه کسی مسوولیت پرداخت این هزینه‌ها را به عهده خواهد گرفت؟ تکلیف افرادی که نمی‌توانند یا در این بازآموزی شرکت داده نمی‌شوند، چیست؟ مطالعه‌ای در سال 2023 توسط گلدمن ساکس نشان داد که تقریباً دوسوم مشاغل در اتحادیه اروپا و ایالات متحده تحت‌تاثیر هوش مصنوعی قرار می‌گیرند و این می‌تواند جایگزین یک‌چهارم مشاغل فعلی شود. همان مطالعه همچنین به افزایش 7 درصدی تولید ناخالص داخلی جهانی و ایجاد مشاغل جدید اشاره می‌کند که شاید جایگزین بسیاری از موقعیت‌های ازدست رفته در دوران گذار شود.

مطالعات مقایسه‌ای توسط سازمان بین‌المللی کار، بانک مرکزی اروپا و صندوق بین‌المللی پول نیز یافته‌های مشابهی را نشان می‌دهند، اما همین نتایج مطالعه به ندرت به عناوین روشن برای عموم تبدیل می‌شود. حتی زمانی که آنها آزادانه و بدون جهت‌گیری منتشر می‌شوند، مردم به آنها بی‌اعتماد هستند، زیرا آنان از سمت همان صداها بی‌می‌آیند که به آنها اطمینان داده بودند که بخش مالی نیازی به مقررات قوی در پیش از بحران اقتصادی سال 2008 ندارند.

علاوه بر این، بدون مشاهده سیاست‌های مشخص برای اطمینان از نتایج مثبت و فراگیر برای انتقال هوش مصنوعی، نمی‌توان مردم را به دلیل بدبینی آنها سرزنش کرد. مردم زمانی را به خاطر می‌آورند که به آنها گفته شد فناوری زندگی آنها را آسان‌تر می‌کند، حجم کاری آنها را کاهش می‌دهد و افراد با اتکا به این فناوری‌ها زمان بیشتری را برای کارهای شخصی خود آزاد می‌کنند. در عوض آنچه که در عمل اتفاق افتاد کاملاً برعکس بود، پیدایش فناوری‌های جدید باعث شد آنها حتی ساعت‌های طولانی‌تری کار کنند و کارفرمایان را قادر می‌سازد تا آنها را دقیق‌تر زیر نظر داشته باشند و حتی آنها را در زمان استراحتشان موظف به کار کنند.

وحشت از آینده

پدیده فوبو باعث می‌شود امروزه بسیاری از شهروندان به جای اعتماد به نفس، با ترس و وحشت به آینده نگاه کنند، زیرا بسیاری از پیش‌بینی‌های قبلی آنها اشتباه از آب در آمده است. آنها به دنبال پاسخ هستند و اگر دولت‌ها و نهادها پاسخ دقیق مدنظر آنها را ارائه ندهند، پوپولیست‌ها و بازیگران سیاسی متمایل به اقتدارگرایی میدان را در دست خواهند گرفت. عموم مردم با این پرسش مواجه می‌شوند که آیا باز هم می‌توانم کار کنم؟ آیا برای تغذیه و هزینه اجاره خانه خانواده‌ام به اندازه کافی درآمد کسب خواهم کرد؟ این برای چه مدت

دوام خواهد داشت؟ آیا زندگی من 10 سال دیگر بهتر خواهد شد یا بدتر؟ در مورد زندگی فرزندانم چطور؟ آیا ثروتمندان ثروتمندتر میشوند درحالی که فقیرها فقیر میمانند؟

عصر هوش مصنوعی جنبه‌هایی از زندگی ما را به گونه‌ای متحول خواهد کرد که ارزشها، قوانین و هنجارهای اجتماعی ما را به راستی به چالش‌هایی جدید می‌کشد که پیش از آن هیچ تجربه‌ای از نحوه مواجهه با آن نداریم، اما هنوز مشخص نیست که آیا عصر جدید در جهت برابری و رفاه بیشتر رقم می‌خورد یا خیر و قضیه کاملاً برخلاف تصور عمومی است. با توجه به تجربیات تاریخی اخیر در حوزه توسعه فناوری و جامعه، چشمانداز روشنی وجود نخواهد داشت مگر اینکه ما یک تلاش آگاهانه و جمعی انجام دهیم. به همین دلیل است که ما به یک قرارداد اجتماعی جدید برای ورود به عصر هوش مصنوعی نیاز داریم.

اختراع آینده

دنيس گابور، برنده جایزه نوبل، نویسنده کتاب «اختراع آینده» (1963) يك جمله طلايي در اين خصوص دارد: «آینده را نمی‌توان پیش‌بینی کرد، اما آینده را می‌توان اختراع کرد.» درحالی که يك قرارداد اجتماعی ذاتا يك تلاش جمعی برای بحث، ساختن و توافق بر سر هنجارها و ارزش‌های اجتماعی است، چند سوال کلیدی را می‌توان شناسایی کرد. انسان محصور در حلقه یا انسان در کنترل؟ ممکن است خلبانان خودکار بتوانند هواپیماها را به پرواز درآورند اما انسان‌ها باید همیشه در کابین خلبان باشند. رویکرد انسان تحت کنترل، مسوولیت‌پذیری انسان را درقبال تصمیمات اتخاذ شده توسط و با هوش مصنوعی که می‌تواند بر زندگی، سلامت و دارایی تاثیر بگذارد، تضمین می‌کند. قوانین اتحادیه اروپا در حال حاضر محافظت در برابر نظارت و تصمیم‌گیری خودکار را ارائه می‌دهد، اما با فراگیرتر شدن ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی، ممکن است نیاز به شفاف‌سازی و حتی گسترش این حمایت‌ها داشته باشیم، به ویژه در مواردی که تصمیمات بر کرامت انسانی در استخدام، مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و پرورش و مسائل مالی تاثیر می‌گذارند. به عنوان مثال، «مدیریت الگوریتمی کارگران» به خودی خود يك پلتفرم مشکل‌ساز در عصر حاضر است، اکنون باید از خود پرسیم که آیا از پذیرش مدیریت هوش مصنوعی کارگران در آینده خوشحال خواهیم بود یا این تبدیل به يك نگرانی عمیق خواهد شد؟ و بعد از آن رابطه بین مردم و پدیده هوش مصنوعی چگونه خواهد بود؟ چگونه می‌توانیم مردم را از خطر سلطه يك هوش برتر ایمن

نگه داریم و اطمینان حاصل کنیم که پیشرفتهای فناوری جدید با ارزشهای جوامع ما همسو هستند؟ در ساده‌ترین عبارت، این به معنای موافقت، تدوین و اجرای مجموعه‌ای از قوانین است که نشان می‌دهد هوش مصنوعی چه کاری را می‌تواند انجام دهد و چه کاری را نمی‌تواند انجام دهد و انسان‌ها چگونه می‌توانند از آن استفاده کنند یا ممکن است در جاهایی تصمیم بگیرند که آن را کنار بگذارند. این باید شامل نیاز به رضایت انسان در مورد اینکه چگونه و چه زمانی ممکن است به هوش مصنوعی اجازه داده شود تا در تعاملات یک فرد با دنیای دیجیتال واسطه شود، باشد تا مبادا عاملیت انسانی به خطر بیفتد.

آموزش و هوش مصنوعی

چگونه می‌توانیم سیستم‌های آموزشی را برای تشویق همکاری انسان و هوش مصنوعی به جای جایگزینی انسان با هوش مصنوعی طراحی کنیم؟ قطعاً همه‌چیز نیازی به استفاده از هوش مصنوعی ندارد و سیستم‌های آموزشی باید به آموزش مهارت‌های اساسی ادامه دهند. با این وجود، به وضوح آموزش و یادگیری مادام‌العمر توسط فناوری‌های هوش مصنوعی تغییر می‌یابند که اجازه می‌دهد شخصی‌سازی بیشتر متناسب با رویکردهای یادگیری تک‌تک دانش‌آموزان باشد.

دانش‌آموزان در هر سنی باید آموزش ببینند و با سیستم‌های هوش مصنوعی کار کنند، از جمله نحوه تعامل انتقادی و اخلاقی با الگوریتم‌های یادگیری عمیق و سایر فناوری‌های هوش مصنوعی. با توجه به تقاضاهای بسیار زیاد در سیستم‌های آموزشی، این امر مستلزم سرمایه‌گذاری عمومی استراتژیک و تمرکز بر آموزش معلمان است.

کارگران و هوش مصنوعی

چگونه می‌توانیم یک انتقال عادلانه را برای کارگران تضمین کنیم؟ در بازار کار، نقش‌های شغلی باید مانند همیشه با فناوری‌های جدید تکامل یابد. این ممکن است به معنای ایجاد موقعیت‌های جدیدی باشد که بر همکاری انسان و هوش مصنوعی تمرکز می‌کند، از جمله اطمینان از اینکه سیستم‌های هوش مصنوعی همان‌طور که در نظر گرفته شده عمل می‌کنند و مسوولانه استفاده می‌شوند.

دولت‌ها و بخش خصوصی باید با اتخاذ شیوه‌های صحیح و آموخته‌شده از انتقال به یک دوران جدید با حداکثر صیانت از حقوق افراد و همیاری یکدیگر به کارگران کمک کنند تا در یک گذار عادلانه سازگار شوند که بیشترین بخش‌ها را در معرض پیشگیری از مخاطرات قرار دهند،

همچنین به موازات آن مهارت‌های گسترده موردنیاز برای اطمینان از استفاده مسوولانه از هوش مصنوعی را توسعه دهند.

ارزش‌های انسانی و هوش مصنوعی

از چه توانایی‌ها و چه ارزش‌های انسانی می‌خواهیم محافظت کنیم؟ انسان‌ها برای کار، زندگی نمی‌کنند بلکه برای رفاه زندگی کار می‌کنند، اما ما انسان‌ها از داشتن احساس هدف و رسیدن به اهدافمان در زندگی معنا می‌گیریم. اگر هوش مصنوعی يك صنعت را به شدت تغییر دهد و اکثر کارگران برای کارهای دیگر مناسب نباشند، چگونه می‌توانند بدون کار یا دستاوردهای مشابه از زندگی خود معنایی بگیرند؟ هوش مصنوعی در حال حاضر هنر و موسیقی خود را می‌سازد درحالی که بیشتر انسان‌ها برای انجام فعالیت‌های خلاقانه و رضایت‌بخش کمتر تلاش می‌کنند.

آیا مهارت‌های خاصی وجود دارد که بشر بخواهد آنها را حفظ کند و تا قرن‌ها فعالیت حرفه‌ای و فرهنگی از بین نرود؟ در بسیاری از زمینه‌های زندگی بشر، ممکن است برای ما کاملاً مشروع باشد که بخواهیم از رویکردهای «ارگانیك» یا «زیستی» بدون هوش مصنوعی محافظت کنیم، درست همان‌طور که برخی از کشورهای اتحادیه اروپا قوانینی در مورد زبان‌ها و تولیدات فرهنگی دارند. حتی اگر بخواهیم به مصرف‌کنندگان آزادی انتخاب بدهیم، باید در نظر بگیریم که آیا به قوانینی در مورد برجسب‌گذاری محتوای تولید شده توسط هوش مصنوعی نیاز داریم تا انتخاب مصرف‌کننده معنادار باشد.

چگونه می‌توانیم انتقال هوش مصنوعی را فراگیر کنیم؟ در حال حاضر آگاهی بیشتری در مورد خطرات سوگیری الگوریتمی و تبعیض الگوریتمی وجود دارد، اما این چالش‌ها با پذیرش گسترده فناوری‌های یادگیری ماشین تشدید خواهد شد. افزایش تنوع در سراسر اکوسیستم هوش مصنوعی، از بخش‌های تحقیقاتی گرفته تا هیات‌های اجرایی، به حمایت از انتقال هوش مصنوعی فراگیرتر و همچنین تمرکز بر تنوع بیشتر در مجموعه داده‌های آموزشی کمک می‌کند.

چگونه از عقب ماندن مردم جلوگیری کنیم؟ این انتقال فناوری ممکن است با امواج قبلی متفاوت باشد، زیرا می‌تواند بر مشاغل حرفه‌ای بسیار ماهر که قبلاً در برابر اتوماسیون «ایمن» تلقی می‌شدند نیز تاثیر بگذارد.

با پیشرفت تکنولوژی، همه افراد به طور بالقوه در معرض خطر احساس

منسوخ شدن و «جای ماندن» هستند. بنابراین، ما باید همیشه به یاد داشته باشیم که انسان‌ها به خودی خود یک هدف هستند و هر پیشرفتی که مردم را پشت سر بگذارد، پیشرفت نیست. به جای پذیرش این فرض که انسان‌ها باید با اتوماسیون رقابت کنند، سیستم‌های رفاهی و حمایت‌های کارگری باید برای حمایت از زمان و فضای خلاقانه‌ای که مردم به آن نیاز دارند وفق دهند تا هوش فرهنگی و اجتماعی انسانی غنی و متنوعی را تولید کنند که مدل‌های یادگیری عمیق آن را بازسازی کرده و در خروجی هوش مصنوعی ترکیب می‌کنند.

جعبه سیاه هوش مصنوعی

آیا ترکیبی از خدمات پایه جهانی (UBS) و درآمد پایه جهانی (UBI) وجود دارد که رفاه و کرامت انسان را حفظ کند؟ شاید این می‌تواند تا حدی توسط نوعی مالیات توسط هوش مصنوعی تامین شود. چگونه می‌توانیم تضمین کنیم که «تولیدکنندگان داده‌ها به عنوان نیروی کار» با پرداخت عوارض و مالیات به طور عادلانه با نیروی کار انسانی رقابت کنند؟ همان‌طور که «ای گلن ویل» و «جارج لنینر» از پیشگامان فناوری در سال 2018 این نظریه را مطرح می‌کنند که فناوری‌هایی مانند الگوریتم‌های یادگیری عمیق و شبکه‌های عصبی امروزی برای انجام کارهای سنگین به «داده به عنوان کار» متکی هستند پس صراحتاً این نکته قابل تکرار است که مدل‌های یادگیری عمیق بدون داده‌های آموزشی تولید شده توسط انسان نمی‌توانند کاری را که انجام می‌دهند تکمیل کنند. حتی داده‌های مصنوعی یا داده‌های آموزشی تولید شده توسط مدل‌های هوش مصنوعی، در نهایت محصول داده‌های اولیه انسانی به عنوان نیروی کار است.

تصمیم‌گیری در سیستم‌های هوش مصنوعی مانند یک «جعبه سیاه» درون هواپیماها و زیردریایی‌هاست، اما سیاست‌گذاران این عرصه می‌توانند با طراحی مقرراتی که چانه‌زنی جمعی را بین سازمان‌هایی که نماینده کارگرانی که داده‌های آموزشی را ایجاد می‌کنند و صاحبان مدل‌های هوش مصنوعی که به صورت تجاری از این داده‌ها بهره‌برداری می‌کنند، تسهیل کنند و این روند به ایجاد شفافیت در مدل‌های تعاملی کمک کند.

چگونه می‌توانیم سیستم‌های هوش مصنوعی پایدار را در یک اقتصاد زنجیروار که به صورت یک چرخه سلسله مراتبی شکل یافته است، جانمایی کنیم؟ الگوریتم‌های یادگیری عمیق به منابع محاسباتی قابل‌توجهی نیاز دارند که انرژی زیادی دارند و همچنین روی سخت‌افزاری اجرا می‌شوند که به مواد خام استخراج شده از زمین نیاز

دارد. این یکی از دلایلی است که وقتی رویکردهای ارزان‌تر (از جمله رویکردهای الگوریتمی ارزان‌تر) به همان خوبی کار را انجام می‌دهند، در نظر داشته باشید که هوش مصنوعی به همه چیز اتکالی منطقی اقتصادی یا زیست‌محیطی ندارد. با این حال، در جایی که یک مورد مسوول برای هوش مصنوعی وجود دارد، چگونه می‌توانیم اطمینان حاصل کنیم که باعث انتشار کربن و استخراج منابع مخرب زیست‌محیطی نمی‌شود؟ در واقع، در صورت استفاده مسوولانه، هوش مصنوعی به‌طور بالقوه می‌تواند به جوامع کمک کند تا انرژی کارآمدتر و پایدارتر شوند.

چه کسی صاحب نوآوری‌های ایجاد شده توسط هوش مصنوعی خواهد شد؟ در سال 2021، آفریقای جنوبی اولین کشوری بود که به یک مدل هوش مصنوعی جدید حق اختراع اعطا کرد، اگرچه سایر دفاتر ثبت اختراع در سراسر جهان در این خصوص بسیار محتاط‌تر عمل کردند. در دسامبر 2023 سرویس گوگل دیپ مایند یک راه‌حل کاملاً جدید برای یک مساله ریاضی ارائه کرد، اما از ثبت حق اختراع نوآوری هوش مصنوعی‌اش در آن زمان ایالات متحده بازماند، یک نکته دیگر که ضرورت دارد مغفول نماند این مثال و پاسخ به پرسش مطرح شد در ادامه آن است: همان‌طور که سیستم‌های هوش مصنوعی شروع به تولید نوآوری‌هایی مانند داروهای جدید می‌کنند، چگونه سیستم‌های مالکیت معنوی تضمین می‌کنند که ابزار نوآوری به نفع همه است و صرفاً به‌طور دایمی توسط ثروتمندترین‌ها تسخیر نمی‌شود؟ آیا به هوش مصنوعی عمومی نیاز داریم؟

همان‌طور که مدل‌های هوش مصنوعی پیچیده‌تر می‌شوند، به منابع محاسباتی بیشتری نیاز خواهند داشت که در حال حاضر به یک مانع اقتصادی برای دسترسی تبدیل شده است.

تاریخچه طولانی موسسات عمومی وجود دارد که برای ارائه دسترسی رایگان یا مقرون‌به‌صرفه به خدمات اطلاعاتی، از کتابخانه‌های عمومی تا خدمات پخش عمومی، طراحی شده‌اند. به جای یک سیستم دو لایه، با پیشرفته‌ترین هوش مصنوعی پنهان در پشت دیوارهای پرداخت و دسترسی آزاد (یا محدود) به هوش مصنوعی اولیه، آیا همه شهروندان نباید به هوش مصنوعی عمومی پیشرفته دسترسی داشته باشند.

به نظر می‌رسد با روند کنونی اتحادیه اروپا باید شهروندان را در یک بحث عمومی گسترده و پویا در مورد سوالات فوق و هر سوال دیگری که پیش می‌آید، مشارکت دهد.

در کنار سیاست‌های سنتی نمایندگی، کنفرانس آینده اروپا و پانلهای

شهروندان اروپایی نشان می‌دهد که چگونه فرآیندهای سیاسی مشورتی ممکن است به شناسایی و حفظ پاسخ‌ها در روح دموکراتیک قرارداد اجتماعی که توسط ژان ژاک روسو تدوین شده، کمک کند.

یک ضرب‌المثل قدیمی از روزهای اولیه محاسبات وجود دارد؛ مثال زباله وارد شده و زباله خارج شده یا همان (GIGO) به این معنی که خروجی یک کامپیوتر فقط به اندازه ورودی داده خوب است به این معنی که خروجی‌ها به کیفیت ورودی‌ها بستگی مستقیم دارند. هوش مصنوعی به سادگی هر چه تمام‌تر می‌تواند دایره باطل مثال GIGO را نشان دهد. اگر انسان‌ها را مجبور به رقابت با اتوماسیون کنیم، جامعه را تنزل خواهیم داد که نه تنها داده‌های آموزش هوش مصنوعی آینده بلکه زمینه اجتماعی را که شرکت‌ها و دانشمندان که سیستم‌های هوش مصنوعی می‌سازند از آن بیرون می‌آیند را نیز تخریب می‌کنند، این قطعاً همان آینده‌ای است که به فاجعه ختم خواهد شد. اما آینده‌ای جایگزین وجود دارد که در آن هوش مصنوعی هوش اجتماعی انسان را در یک دایره فضیلت‌مند گسترش داده و از آن پشتیبانی می‌کند که به درون خود بازخورد می‌دهد و شکوفایی بشریت را تشویق می‌کند، البته خوشبختانه همچنان در آغاز راه هستیم و هنوز فرصت کافی داریم تا آینده و سرنوشت‌مان را خودمان انتخاب کنیم.

این مطلب را با گفته‌ای از ژان ژاک روسو در خصوص قرارداد اجتماعی خاتمه می‌دهیم: «در حقیقت، قوانین همیشه برای مالکان مفید هستند و برای کسانی که چیزی ندارند مضر. از آن نتیجه می‌شود که دولت اجتماعی تنها زمانی برای مردمان سودمند است که همه چیزی داشته باشند و هیچ‌کس بیش از حد نداشته باشد.»

مشاور ارشد، دفاع از دموکراسی

محقق دکتری تاریخ فناوری و دموکراسی، دانشگاه ماستریخت

مترجم: کامران مشفق آرانی

منبع:

<https://defenddemocracy.eu/a-new-social-contract-for-the-age-of-artificial-intelligence>

عصر هوش مصنوعی جنبه‌هایی از زندگی ما را به گونه‌ای متحول خواهد

کرد که ارزشها، قوانین و هنجارهای اجتماعی ما را به راستی به چالشهایی جدید می‌کشد که پیش از آن هیچ تجربه‌ای از نحوه مواجهه با آن نداریم، اما هنوز مشخص نیست که آیا عصر جدید در جهت برابری و رفاه بیشتر رقم می‌خورد یا خیر و قضیه کاملاً برخلاف تصور عمومی است.

دنيس گابور، برنده جايزه نوبل، نويسنده كتاب «اختراع آینده» (1963) يك جمله طلايي در اين خصوص دارد: «آینده را نمی‌توان پیش‌بینی کرد، اما آینده را می‌توان اختراع کرد.» درحالی که يك قرارداد اجتماعی ذاتاً يك تلاش جمعی برای بحث، ساختن و توافق بر سر هنجارها و ارزشهای اجتماعی است.

خوشبختانه همچنان در آغاز راه هستیم و هنوز فرصت کافی داریم تا آینده و سرنوشتمان را خودمان انتخاب کنیم. این مطلب را با گفته‌ای از ژان ژاک روسو درخصوص قرارداد اجتماعی خاتمه می‌دهیم: «در حقیقت، قوانین همیشه برای مالکان مفید هستند و برای کسانی که چیزی ندارند مضر. از آن نتیجه می‌شود که دولت اجتماعی تنها زمانی برای مردمان سودمند است که همه چیزی داشته باشند و هیچ‌کس بیش از حد نداشته باشد.»